

پژوهشنامه اندیشه معاصر

سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۱۷-۱۳۴

## نقش روحانیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی

اقبال امیری<sup>۱</sup>، محمدرضا نجفی سلامت<sup>۲</sup>، مهدی نظری داراب خانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

### چکیده

روحانیت، عنصر اصلی مولد فرهنگ در کشور ما بوده است. در طول تاریخ هنجارها و ارزشها، عمدتاً از طریق آنها به جامعه تزریق گردیده و جزو فرهنگ عامه مردم درآمده و گفتار و کردار این قشر معتمد دینی، همواره، حجت شرعی و مقبول افراد جامعه بوده است. روحانیت در تاریخ کشورمان، همواره به عنوان متولی اصلی هدایت دینی در جامعه به حساب می‌آید؛ مرجع رسمی تبیین ارزشها و تثبیت باورهای دینی و استنباط و افتای احکام عملی روحانیت بوده و خواهد بود. روحانیان مبارز شیعه به دلیل توانایی در استفاده از عوامل انسانی و عوامل الهی برای ایجاد تحول در ایران زمان پهلوی، بالاترین نقش را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند. امروزه جریان‌های هستند که با اهداف و مقاصد شوم درصدد کمرنگ جلوه دادن نقش روحانیت در انقلاب اسلامی می‌باشند لذا سوال اصلی این نوشتار تبیین نقش روحانیت در عرصه انقلاب اسلامی از آغاز نهضت تا کنون می‌باشد. مفروض این تحقیق این است که روحانیت همواره در تمامی عرصه‌های مبارزاتی علیه ظلم حضور فعال داشته و در مقام مهم اجتماعی که نفوذ در خور توجهی در جامعه ایران از دیرباز داشته است، در فرایند بسیج سیاسی مخالفین شاه، طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ نقش موثری ایفا نموده است و پس از آن نیز با انجام خدمات برجسته در نقش سازنده ای را ایفا نموده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: امام خمینی(ره)، انقلاب اسلامی، روحانیت، شیعه، رهبری، حوزه علمیه

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲. کارشناس مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

۳. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

## مقدمه

روحانیت در تاریخ ایران همواره نقش حاملان فرهنگ را داشته و از نظر جایگاه نیز، در مقام برجسته‌ای قرار داشته‌اند. در تاریخ ایران پس از اسلام و گرایش ایرانیان به مذهب تشیع، گویی میان روحانیت شیعه و مردم، پیوندی ناگسستنی وجود داشته است؛ به گونه‌ای که نظریه رایج در جامعه ما، درباره روحانیت چنین است که، روحانیت به عنوان سازمان رهبری کننده مردم و گروهی از افراد هستند که پیشرفت یا انحطاط جامعه را با روحانیت در ارتباط می‌دانند. تاریخ معاصر ایران مشحون از حضور روحانیان و مجتهدان بزرگی است که همت خود را صرف بیداری و آگاه سازی مردم کرده‌اند. در گذشته تاریخ ایران؛ هنگامی که علم و دانش گسترش نیافته بود و بی‌سوادی بیداد می‌کرد، امکانات تعلیم و تربیت محدود، و در اختیار طبقات خاص چون اشراف و درباریان بود؛ نهاد روحانیت در حوزه‌ها و مدارس علمیه پذیرای مشتاق طالبان علم و معرفت بود.

در گذشته مکتبخانه‌ها نقش مهمی در آموزش علم و دانش به مردم و آشنایی جامعه با مفاهیم دینی و قرآن داشتند. توجه به امر سواد و دانش در میان روحانیت در ایران به قدری فراگیر و گسترده بود که به هنگام احداث و آغاز فعالیت دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ه. ش که نماد آموزش عالی در ایران محسوب می‌گردید، برای تدریس دروس از جمعی از اساتید و فرهیختگان حوزه‌های علمیه دعوت کردند و این امر، بیانگر جایگاه و منزلت علم و دانش در میان روحانیت بوده است. برخوردار بودن از دانش، تقلید از مراجع تقلید و نقش بیدار کننده روحانیت در جامعه، پاسداری از قرآن و مذهب و بالاخره دفاع از حقوق مردم موجب گردیده است که از دیرباز، میان روحانیت و مردم رابطه مرید و مرادی وجود داشته باشد و مردم روحانیان را نماد دفاع از دین و حقوق مردم بشناسند. اما پس از آشنایی ایران با مغرب زمین با هجوم اندیشه‌های غربی به سرزمین ما به خصوص در زمان رضاشاه نمادهای تمدن غرب و تغییر روش زندگی مردم به سبک غرب نیز به گونه‌ای اقتدارگرایانه آغاز شد و گمان می‌رفت پس از یکی دو دهه، اعتقاد به دین در ایران از بین برود؛ اما دست کم به دو دلیل این امر امکان پذیر نبود: یکی وجود روحانیت شیعه و دیگری باور قوی مردم همراه فرهنگ دولت ستیزی ایرانیان که فرامین حکومت‌ها را معکوس عمل می‌کردند. در عین حال این خطر وجود داشت که به مرور ایام، مردم از شعائر دینی غفلت کنند، اما وجود تقیه از یکسو و وجود مراکز تشیع در عراق از سوی دیگر، از چنین کاری جلوگیری کرد. در زمان پهلوی دوم هم ترس و احترامی که حکومت نسبت به آیت‌الله بروجردی داشت، دست آن را در سرکوب روحانیت و گسترش اعمال ضد مذهبی می‌بست. پس از رحلت ایشان، چنین تصور می‌شد که مانع از بین رفته است. در چنین وضعیتی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ صورت پذیرفت که نتیجه‌ی آن عبارت بود از تثبیت رهبری امام خمینی (ره) و تبدیل مساجد به کانون‌های مقاومت و بالاخره شکاف ترمیم ناپذیر روحانیت و حکومت.

روحانیت شیعه به جهت همان بعد محوریت دینی و مردمی بودن خود در جامعه، توانست بیش از سایر اقشار در دلها رسوخ کند و هدایت درونی افراد را برعهده گیرد و در نتیجه؛ سیل خروشان انقلابی مردم را برانگیزد و یک حرکت دینی عظیمی را به رهبری ذاهیان عالمی روحانی برپا نماید. بر این اساس، هرگز نباید نقش حرکت گسترده نهاد روحانیت را در راستای انقلاب؛ که بی‌تردید دستاوردهای بزرگ فرهنگی بیش از سایر زمانها با خود به همراه داشته است، از یاد برد و یا در طول زمان و در پرتو امواج مخالف، چنین نقشی را به فراموشی سپرد. این انقلاب در حقیقت، حرکت و راهی برای وارد کردن ابعاد معنوی در زندگی سیاسی بود که با ظهور آن و تشکیل نظام «جمهوری اسلامی» در این نقطه از جهان، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با عصرهای گذشته در دنیا به وجود آمد. این عصر و این دوران جدید را به حقیقت عصر امام خمینی (ره) نامیده اند.

### اهمیت و اهداف تحقیق

با وجود پیشگامی روحانیان در انقلاب اسلامی ایران، نقش آنان آن گونه که شایسته است بررسی، تبیین و تحلیل نشده است؛ هدف این نوشتار تبیین نقش انکارنشده روحانیت در جریان انقلاب اسلامی است که افراد و جریان‌های مختلف از داخل و خارج غالباً با پوشش‌ها و نقدها و سانسورهای مختلف سعی می‌کنند آن را به چالش بکشند. این تحقیق به منظور نمایاندن حضور جدی و قوی روحانیت در عرصه‌های گوناگون انقلاب اسلامی است.

### روش تحقیق

در پژوهش حاضر از مطالعه اسناد و مدارک با روش تحلیلی - توصیفی در فضای کتابخانه استفاده شده است. نویسنده، اطلاعات مورد نیاز را از منابع مربوط به روحانیان، رهنمودهای امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، جمع‌آوری نموده و سپس به تجزیه و تحلیل و استنتاج مطالب پرداخته است.

### ۱. جریان شناسی روحانیت شیعه

وجود نهاد روحانیت در تاریخ ایران اسلامی سابقه ای طولانی دارد اما در تاریخ سیاسی ایران معاصر در عصر صفویه، پس از گذشت بیش از شش قرن از زمان غیبت، برای اولین بار شاهد شکل‌گیری حکومت فراگیر شیعی هستیم ولی روحانیت در حکومت صفوی بیشتر در نقش مشاور و نیروهای مذهبی بوده اند و در رأس حکومت شاهان قرار داشتند پس از صفویه و در عصر افشاریه و زندیه تا حدود زیادی از نقش روحانیان در امور مملکتداری کاسته شد اما در عصر قاجار، علما با صدور فتوای جهاد و تشویق و ترغیب مردم برای پیوستن به جنگ، نقش با اهمیتی پیدا می‌کنند. فتوای میرزای شیرازی در تحریم استعمال توتون و تنباکو را می‌توان نقطه عطف عصر جدید در زندگی اجتماعی روحانیت برشمرد. اما وضعیت روحانیت در دوران پهلوی، شرایط دیگری یافت. روحانیان از گذشته‌های دور سهم قابل ملاحظه‌ای در قدرت و پراکندگی آن داشتند، خاصه جنبش مشروطیت و حوادث پس از آن بر منزلت اجتماعی آنان افزود و

موقعیت‌شان را در هرم قدرت افزایش داد. به نظر می‌رسد که دولت رضاشاه از دو سو خود را رویاروی روحانیان می‌دانست؛ یکی پروژه‌ی نوسازی و تجدد و دیگری تجمع و تمرکز قدرت در ساختار دولت مطلقه. دولت برای کاستن از موقعیت اجتماعی - اقتصادی روحانیان و نابودی پایه‌های قدرت سیاسی‌شان به اقداماتی نظیر اجرای قانون نظام اجباری، سلب بسیاری از وظایف حقوقی - قضایی روحانیون با ایجاد دستگاه دولتی بنام دادگستری، گسترش دامنه‌ی اقتدار دولت به حوزه‌ی اوقاف که یکی از منابع مالی روحانیان محسوب می‌شد، تشکیل «مؤسسه‌ی وعظ و خطابه» با هدف تربیت واعظان دینی تحت نظارت دولت و ... دست زد. در مجموع باید گفت که اقدامات دولت رضاشاه، به طور تدریجی ولی فراگیر، قلمرو و اقتدار اجتماعی و سیاسی روحانیان را تا حدود زیادی از بین برد و منابع مالی آن‌ها را شدیداً کاهش داد. در حقیقت از نقش و کارکرد روحانیان در تداخل و پراکندگی قدرت سیاسی می‌کاست (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۹۷-۱۹۱).

دوران رضاشاه اوج سرکوب و انزوای روحانیت است. از سال ۱۳۰۵ ه.ش به بعد، با کشف حجاب زنان، تغییر لباس مردان، تأسیس محاکم عرفی و تشکیلات دادگستری موجبات خروج بسیاری از مناصب حقوقی و قضایی از دست روحانیان فراهم می‌شود. به علاوه گسترش ناسیونالیسم افراطی ایرانی، نوعی بی‌اعتنایی نسبت به مذهب و حاملان دین [روحانیت] را به دنبال داشت. در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ با سقوط رضاشاه، نیروهای اجتماعی - سیاسی سرکوب، و روحانیان آزاد شدند و بدین ترتیب، بخشی از نفوذ از دست رفته خود را، دوباره به دست آوردند. بنابراین، نهضت ملی شدن نفت، مرهون ائتلاف نیروهای مذهبی و ملی به رهبری آیت الله کاشانی بود. از سال ۱۳۴۲ به دلیل «نوسازی به سبک غربی» که پیامدهای آن تخریب باورهای دینی و نادیده انگاشتن ارزشها، تضییع حقوق مردم و ... بود، واکنش منفی بخشهایی از روحانیت به رهبری حضرت امام خمینی (ره) برانگیخته شد که خود سرآغاز نهضت اسلامی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ گردید. از این تاریخ تا پیروزی انقلاب اسلامی شاهد شکل‌گیری چهار نوع گرایش، از سوی روحانیان در ایران هستیم:

#### اول: روحانیت متعهد و مبارز

این گروه از روحانیون ضدسلطنت و شاه بودند و خواستار ایجاد حکومت اسلامی بودند. آنان با توجه به مبانی اندیشه‌ی سیاسی اسلام، مانند وحدت دین و سیاست، دخالت در امور سیاسی اجتماعی را برای خود تکلیفی دینی می‌دانستند. در اندیشه‌ی آنان اسلام دینی جامع و کامل است، از این رو، بر اساس اصل حفظ بیضه‌ی (کیان) اسلام در برابر سیاست‌های ضد اسلامی رژیم پهلوی ایستادگی می‌کردند (مظفری، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۷) این گرایش به وسیله حضرت امام خمینی (ره)، رهبری می‌گردید.

#### دوم: روحانیت درباری و سلطنت طلب

این گروه حامی شاه و سلطنت، از محمدرضا پهلوی با عنوان شاه شیعه طرفداری می‌کردند و به شدت با روحانیان انقلابی سر ستیز داشتند برخی از آنان در خدمت سازمان اطلاعات و امنیت کشور قرار داشتند (مظفری، ۱۳۸۵: ۸۰-۷۵). در رأس این جریان، آیت الله سید کاظم شریعتمداری قرار داشت. این گرایش وجود سلطنت و حکومت شاه را پناهی برای اسلام در برابر هجوم کمونیسم برمی شمرد و شاه را «ظل الله» می‌دانست.

### سوم: روحانیت متحجر و واپسگرا

نحله‌های فکری در حوزه‌های علمیه از جمله قم و انجمن حجّتیّه را می‌توان در این جریان جای داد. این گرایش مخالف هر گونه مبارزه با رژیم شاه بود، و به نوعی قیام در زمان غیبت امام زمان (عج) را جایز نمی‌دانست.

### چهارم: روحانیت غیرسیاسی

در رأس این گروه آیت الله العظمی خویی، مرجع بزرگ در نجف اشرف، قرار داشت. آنان هر چند به لحاظ نظری دین را از سیاست جدا نمی‌دانستند، اما در عمل ضمن گوشه‌گیری از سیاست، به تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه، مسائل معنوی و اخلاقی و تربیت طلاب می‌پرداختند (مظفری، ۱۳۹۴: ۲۸).

### ۲. نقش روحانیت در انقلاب اسلامی ایران

تفاوت‌های که ایران به لحاظ فرهنگی با دیگر کشورهای جهان دارد موجب تفاوت عوامل نقش آفرین در تحقق انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با سایر انقلاب‌ها شده است که از آن جمله می‌توان به تفاوت‌های موجود در ارتباط با نقش روحانیان اشاره نمود (هنری لطیف‌پور، ۱۳۷۹: ۷). روحانیت شیعه قبل از انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف به نقش آفرینی و ایفای رسالت خود همت گماشت؛ هر چند که با موانع و مخالفت‌هایی هم مواجه بود؛ اما این حضرت امام خمینی (ره) بود که توانست با نظریه‌پردازی «حکومت اسلامی» بر پایه «ولایت فقیه»، به اثبات نامشروع بودن حکومت سلطنتی و لزوم قیام ملت برای اقامه حکومت اسلامی بپردازد. ایشان با همکاری یاران و همراهان خود و همچنین حضور فراگیر مردم توانستند، قیامی را که از خرداد ۱۳۴۲ آغاز شده بود، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر پیروزی برسانند. که ثمره آن «جمهوری اسلامی» بود.

برای نخستین بار، در پرتو یک حکومت، «جمهوریت و اسلامیت» به صورت نهادینه شده و قاعده‌مند در تاریخ ملت ایران شکل گرفت و روحانیت نیز در این جریان، به پویایی فرهنگی و سیاسی ملت ایران همت گماشت و اندیشه‌هایی چون؛ نامشروع دانستن رژیم سلطنتی، لزوم مبارزه و مجاهده با بیگانگان برای تحقق استقلال واقعی، دفاع از حقوق ملت که اوج آن در بیگانه ستیزی [استعمار و استثمار] و استبداد تبلور می‌یافت، به جامعه تسری یافت. سیل خروشان ملت، رژیم دو هزار و پانصد ساله سلطنتی را خاتمه یافته تلقی کردند و این واقعه، سرآغاز حیات جدیدی را در زندگی ایرانیان مژده داد. واقعیت امر این است که روحانیت در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران از دوره صفویه به این سو،

نقش مرجع و هدایت کننده داشته و تنها گروهی بوده است که توان به جنبش درآوردن توده‌ها را داشته است. همین نقش در شکل گیری، پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پررنگ تر از قبل به ظهور رسید و همگان اقتدار معنوی و سیاسی این قشر عظیم را به عینه مشاهده نمودند.

هر چند امروزه جریان‌ها، گروه‌ها و افراد مختلفی هستند که سعی می‌کنند نقش روحانیت را در انقلاب اسلامی را کتمان و یا حداقل آن را ناچیز جلوه بدهند، اما واقعیت امر این است که روحانیان در جریان مبارزات انقلاب اسلامی نقش بی بدیلی را ایفا نمودند. همین تلاش معاندان و دشمنان در کتمان نقش روحانیت در انقلاب موجب شد که رهبر معظم انقلاب در سالهای نخست انقلاب همواره نسبت به این موضوع ابراز نگرانی کرده و فرمودند: «نقش روحانیون در این انقلاب نقش غیرقابل انکاری است هیچ کس هم تاکنون این نقش را انکار نکرده است. البته برای انکار کردن دیر نشده است! دستهای تحریف در جابه جای تاریخ ما از اول تا حال دخالت و اعمال نظر و اعمال نفوذ کرده‌اند. و این قضیه هم هیچ بعید نیست که روزی یک عده آدمهایی پیدا بشوند، بنویسند و بگویند که جامعه علمی اسلامی و روحانیت اسلام در این انقلاب نقش و تأثیری نداشته اند» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۳/۰۲/۱۷). از این روی می‌توان نقش روحانیت در انقلاب اسلامی را به شرح زیر توضیح داد:

#### الف) هدایت و رهبری انقلاب

بدون شک یکی از راههای شناخت ماهیت یک حرکت به ویژه حرکت های انقلابی که به لحاظ ماهیت نیازمند جوش و خروش و انگیزه های قویتر می‌باشند، شناخت رهبری این گونه حرکت‌ها است (هنری لطیف پور، ۱۳۷۹: ۱۵۳). در همه انقلاب‌ها نقش رهبری در ایجاد و تکوین خط جدید و به دنبال آن نظام سیاسی و اجتماعی جدید، انکار ناپذیر است. اما این نقش در بعضی از انقلاب‌ها مانند انقلاب اسلامی ایران قابل ملاحظه‌تر به نظر می‌رسد. بی‌گمان سرآغاز نهضت مردمی ایران بر ضد حکومت شاهنشاهی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ می‌باشد. نقش تعیین کننده رهبری یک روحانی آگاه به نام امام خمینی (ره) نشان دهنده عظمت جایگاه علماء و نخبگان روحانی در بین عوام و خواص است. امام خمینی (ره) به عنوان یک مرجع مسلم تقلید هدایت و رهبری نهضت عظیم اسلامی ملت ایران را به عهده گرفت و این هدایت را با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تثبیت نظام جمهوری اسلامی تکمیل نمود. در دوران تبعید ۱۵ ساله او از وطن، هر چند نقش حضور او کم رنگ تر از قبل جلوه می‌کرد، اما با این حال هیچگاه از خاطره‌ها محو نشد. بلکه هر از چند گاهی با سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های شورانگیز خود، مردم را به ادامه روند نهضت دلگرم‌تر می‌نمود. از این گذشته، شاگردان و مریدان روحانی او به عنوان حلقه واسطه، ارتباط امام با ملت را حفظ کرده و در غیاب او، رهبری و هدایت نهضت در داخل ایران را بر عهده گرفتند. البته این عمل، پیامدهای سختی نیز به همراه داشت. دستگیری، شکنجه، آزار و اذیت و در نهایت، شهادت برخی از یاران صمیمی امام از سوی رژیم دیکتاتوری پهلوی چالش‌هایی را متوجه رهبری روحانیت نمود اما این چالش‌ها هرگز موجب ایستایی و رخوت رهبری آنان نشد، چرا که در بهمن ۱۳۵۷ رهبری چندین ساله نهضت مردم ایران توسط روحانیت آگاه موجب سقوط سلطنت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران شد.

هر چند هدایت و رهبری انقلاب هزینه های سختی نیز برای روحانیان مبارز به همراه داشت، اما چون تکلیف شرعی محسوب می شد، یاران صمیمی امام دستگیری، زندان، شکنجه، آزار و اذیت و در نهایت، شهادت را به جان می خریدند. با وجود چنین شرایط وحشتناکی، امام خمینی (ره) هیچگاه دچار تزلزل نشد و این روحیهی بالای وی ناشی از ایمان خالص و باور تزلزل ناپذیرش به نصرت الهی بود استاد مطهری که خود از نظریه پردازان انقلاب اسلامی بود، پس از ملاقات با امام خمینی (ره) در نوفل لوشاتوی پاریس، در سال ۱۳۵۷ از روحیهی خلل ناپذیر ایشان چنین سخن گفت: «... در سفری که به پاریس رفتم، چیزهایی از روحیهی این مرد کشف کردم که نه تنها بر ایمان من، بلکه بر حیرت من افزود. وقتی برگشتم رفقا پرسیدند: گفتند چه دیدی؟ گفتم چهار تا اَمَن دیدم اَمَن بهدفعه به هدفش ایمان دارد. اَمَن بسبب، به راهی که برای هدف خودش انتخاب کرده، ایمان دارد. اَمَن بقومه من دیدم در همه رفقا و دوستانی که من سراغ دارم احدی به اندازه این مرد به روحیه مردم ایران ایمان ندارد و از همه بالاتر اَمَن بر به» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵). در پیروزی انقلاب اسلامی ایران رهبری بی چون و چرای مرجع تقلید شیعه امام خمینی (ره) که چون چتری قریب به اتفاق مردم و گروه های سیاسی را متحد کرده بودند، یکی از عوامل مهم بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و براساس نظریه ولایت فقیه، در قانون اساسی مقام ولایت فقیه و رهبری دینی در نظر گرفته شده است.

#### ب) استفاده مطلوب از رسانه های سنتی

از اقدام های مهم روحانیان برای پیشبرد انقلاب اسلامی، استفاده مناسب و خوب از رسانه های سنتی بود. با وجود اینکه در عصر انقلاب رسانه های مدرن نظیر رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات و ... تحت سلطه ی رژیم پهلوی بود، اما آنان از سلطه ی دشمن بر این ابزار کارساز ناامید نشدند و حتی المقدور از رسانه های سنتی مانند منبر و محراب، مسجد، حسینیه، تکایا و اندکی از رسانه های مدرن اولیه نظیر ضبط صوت، دستگاه تکثیر و ... برای رساندن پیام انقلاب استفاده کردند. محقق خارجی، که به واکاوی نقش روحانیان در به کارگیری کانال های سنتی و تأثیر آن در پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است، می نویسد: «شاه ایران ... سرمایه گذاری سنگینی روی وسایل ارتباط جمعی انجام داده بود، به طوری که صد درصد از جمعیت کشور در مناطق کوهستانی به رادیو گوش فرا می دادند و هفتاد درصد آنان تلویزیون تماشا می کردند ... مخالفت با شاه به وسیله ی شبکه های غیررسمی توسط ۲۰۰ هزار رهبر مذهبی و ۹۰ هزار مسجد سازماندهی شد. در حالی که آیت الله خمینی (ره) و دیگر رهبران مذهبی به خارج تبعید شده بودند؛ اما پیام های آیت الله به شکل کاست، به دست پیروانش ارسال می شد. پیام های او پس از پخش از ضبط صوت، چاپ و زیراکس می شد. در انقلاب اسلامی ایران در حقیقت، مردم با هم برخورد نداشتند؛ بلکه برخورد بین رسانه های بزرگ در برابر رسانه های کوچکتر بود که سرانجام، رسانه های کوچک پیروز شدند» (جعفری چمازکتی، ۱۳۷۴: ۱).

#### ج) تبیین و ترویج ایدئولوژی انقلاب اسلامی

ایدئولوژیها ابزار اصلی بسیج سیاسی در انقلابها مطرح می‌شوند. انقلاب اسلامی نیز مانند هر انقلاب دیگری دارای ایدئولوژی فراگیر بود که این ایدئولوژی بیش از هر عامل دیگری بر مذهب تشیع استوار بود. آن بخش از علماء و روحانیان که از توانایی و سطح علمی و فقهی بالاتری برخوردار بودند، همراه امام، ایدئولوگ‌های اصلی انقلاب بودند هر چند روحانیان تنها افراد تدوین کننده ایدئولوژی اسلامی نبودند و برخی روشنفکران مذهبی نیز نقشی ایفاء نموده اند، اما با این حال نقش روحانیون جلوه دیگری داشت. در این میان، امام خمینی (ره) به عنوان ایدئولوگ اصلی انقلاب اسلامی محسوب می‌شد. ایشان به عنوان رهبر اصلی انقلاب از عنصر آگاهی و اندیشه و برنامه بدون مبارزه غافل نبوده، خود بیشترین تلاش را برای آگاهی بخشی به توده‌ها انجام داد. عمده‌ترین فعالیت ایشان در این زمینه، تدریس و تالیف کتاب «ولایت فقیه» در بهمن ۱۳۴۸ بود. در این کتاب، همه کارویژه‌های مربوط به ایدئولوژی انقلابی مطرح شده و راه مبارزه برای رسیدن به آن جامعه آرمانی بیان گردیده است. غیر از امام، می‌توان به سه روحانی برجسته دیگر اشاره نمود که به نوعی تئورسین و ایدئولوگ انقلاب - بعد از امام - محسوب می‌شدند. شهید مطهری، شهید بهشتی، و شهید مفتح. استاد مطهری فلسفه و ایدئولوژی را برای مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی برگزیده بود. او نه تنها دست اندرکار ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی بود، بلکه از منتقدین اصلی سایر ایدئولوژی‌ها نیز به شمار می‌آمد. شهید بهشتی نیز به عنوان متفکر و سازمان دهنده انقلاب محسوب می‌شد. او نقش مهمی در شکل‌دهی فکری و عملی در انقلاب اسلامی داشت. از عمده فعالیت‌های آن شهید، طرح موضوعات اسلامی روز برای دانشجویان و طلبه‌های جوان بود که مقدمات ایدئولوژی انقلاب را فراهم می‌نمود. از جمله روحانیان سرشناسی که سیاست‌های رژیم شاه را مورد حمله قرار داد و به تبیین و ترویج ایدئولوژی انقلاب اسلامی پرداختند آیت‌الله سعیدی بود که در بهار ۱۳۴۹ دستگیر و زیر شکنجه ساواک به شهادت رسید. به دنبال شهادت وی اعتراضات وسیعی از سوی روحانیان آغاز شد که ساواک به توقیف روحانیان زیادی از جمله آیت‌الله طالقانی پرداخت. آیت‌الله قاضی طباطبایی و آیت‌الله غفاری نیز از جمله روحانیان سرشناسی بودند که زیر شکنجه‌های ساواک به شهادت رسیدند. در دهه ۱۳۵۰ نیز علمای زیادی از جمله آیت‌الله آذرشهری در تابستان ۱۳۵۳ بوسیله ساواک دستگیر، شکنجه و به شهادت رسیدند (صلاحی، ۱۳۸۶: ۴۷۶). شهید مفتح نیز پس از امام و شهیدان مطهری و بهشتی، از جمله روحانیان فعالی بود که برای عرضه و گسترش یک ایدئولوژی انقلابی مبتنی بر اسلام، تلاش فراوانی در محیط‌های دانشگاهی و حوزوی نمود و نقش بسزایی در وحدت دو نهاد تأثیرگذار حوزه و دانشگاه داشت.

#### د) بسیج مردم

در بیشتر جنبش‌های معاصر ایران، علماء و روحانیان نقش کلیدی در برانگیختن توده‌های مسلمان داشته‌اند. واقعه رژی و تحریم تنباکو و امتیاز ننگین رویتر و ده‌ها رویداد دیگر، حکایت از این می‌کند که قدرت مرجع تقلید در بسیج توده‌های مردم از هر کس دیگر بیشتر است. «گوستاولوبون» معتقد است: «بررسی یقین توده در دوران‌های عقیدتی و چه در زمان قیام‌های بزرگ سیاسی قرن گذشته، نشان می‌دهد که این یقین‌ها، همیشه شکل مشخصی دارند که من نام بهتری از «دین



حسی «برای آن نمی‌شناسم». بنابراین حس ناشی از اعتقاد دین یکی از مهمترین عوامل محرک توده هاست و مسلماً آن گروه اجتماعی می‌تواند در بسیج توده ها نقش مهمتری ایفاء نماید که با اعتقادات و احساسات دینی مردم سروکار داشته باشد که در ایران این گروه روحانیان بودند. نقش روحانیت در سازماندهی و بسیج توده‌ها از راه‌های مختلف انجام می‌پذیرفت:

### ۱. تفسیر برخی نمادها و مفاهیم شیعی و کاربرت آن در مورد انقلاب اسلامی

روحانیان از دو شیوه در جهت استفاده از نهاد عاشورا جهت بسیج سیاسی مردم و تحریک و ترغیب آنان به مبارزه با نظام طاغوتی استفاده نمودند. ابتدا با طرح و بیان فلسفه قیام عاشورا و نهضت امام حسین (ع) و زدودن غبار تفاسیر کهن که رنگ و صبغه‌ای انفعالی به آن بخشیده بود، به زنده کردن و امروزی کردن آن همت گماشته و سپس با قیاس شرایط سیاسی دوران نهضت انقلابی مردم ایران با شرایط نهضت امام حسین (ع)، هوشمندانه نتایج آن قیام بزرگ را با شرایط و مقتضیات زمانه خود پیوند می‌زند و به این وسیله موجب برانگیخته شدن و تحریک احساسات مذهبی و توده‌ای مردم می‌شود (هنری لطیف پور، ۱۳۷۹: ۱۳۶، معادینخواه، بی تا: ۳۶۲).

### ۲. اطلاع رسانی و آگاه کردن مردم

مقدمه هر بسیج سیاسی، شبکه های اطلاع رسانی برای سازماندهی نیروهای انقلابی است. روحانیت نیز از چند طریق به اطلاع رسانی و آگاهی مردم همت می‌گماشتند. این روش‌ها عبارت بودند از: سخنرانی‌ها، گفتگوها، اطلاعیه‌ها، اعلامیه‌ها، تلگراف‌ها، نوارها و ...

### ۳. بهره گیری از زمانهای مذهبی برای آگاهی بخشی و مبارزه با رژیم

از جمله موقع‌شناسی‌های روحانیت در پیشبرد انقلاب اسلامی که برای بسیج سیاسی در انقلاب از آن به طور گسترده استفاده نمود، مراسم گوناگون مذهبی از قبیل دهه‌های محرم و صفر و اعیاد مذهبی بودند. از این گذشته برخی از مراسم مذهبی دیگر مانند مراسم ختم و چهلم‌ها و... نیز بهترین مکان برای آگاهی و بسیج توده‌ها محسوب می‌گشت. حتی جرقه اولین مخالفت‌ها نیز در مراسم ختم فرزند امام در سال ۱۳۵۶ زده شد. در واقع آخرین ضربه به رژیم در عاشورای سال ۱۳۵۷ زده شد. چنانکه ۲ تا ۳ میلیون نفر در تهران ۷۰۰ هزار نفر در مشهد و ۵۰۰ هزار نفر در اصفهان راهپیمایی کردند.

### ۴. مساجد

مسجد از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش محوری و مؤثری داشته است. این مکان مقدس، در نظام اجتماعی مسلمانان فقط کارکرد مذهبی و عبادی نداشته است، بلکه مکانی عمومی برای تشکیل جلسات مهم برای مسائل حیاتی بوده است.

به دلیل ماهیت سیاسی دین اسلام، مسجد به عنوان کانون و محور فعالیت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام داشته است (هنری لطیف پور، ۱۳۷۹: ۱۵۶). به طور کلی مسجد نماد فعالیت فکری، معنوی، مذهبی و سیاسی و عمدتاً پایگاهی برای درخواست مشارکت سیاسی یا براندازی حکومت است (سینایی، ۱۳۷۵: ۶).

#### ه) ایجاد همبستگی میان نیروهای مخالف

ائتلاف مردمی نیروهای مخالف، یکی از مهمترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شد. این ائتلاف توسط روحانیت آگاه و در راس آن، امام خمینی (ره) صورت پذیرفت. ایشان در پیام‌ها و اعلامیه‌های مختلف، همه نیروهای مخالف رژیم را به اتحاد و یکدلی دعوت می‌نمود. به عنوان مثال در یکی از پیامها تأکید می‌نماید که: «مخالفتها را کنار بگذارید و با هم دوست باشید. همه با هم، هم قدم باشید... ما همه باید دست به هم بدهیم...» (صحیفه نور، ج ۱: ۵۹۹). نقش وحدت بخش این پیام‌ها در امکان ائتلافی فراگیر میان مخالفین متعدد رژیم تأثیرگذار بود. علاوه بر این پیام‌ها، سایر روحانیان نیز تا حد امکان، سعی در وحدت و همکاری با سایر نیروهای مبارز غیرروحانی داشتند.

#### و) حمایت و پشتیبانی از رهبر انقلاب

بی‌گمان در یک انقلاب، به هر میزان، رهبری از حمایت و پشتیبانی بیشتری برخوردار باشد، امکان پیروزی سریعتر فراهم می‌شود. همچنین، از ضروریات هر انقلابی داشتن سازمان و تشکیلاتی است که افزون بر حمایت از رهبر به بسیج توده‌ها اقدام کند. با توجه به این دو اصل، روحانیت شیعه با کمک مراجع عظام تقلید، آیات و حجج اسلام و طلاب حوزه‌های علمیه ی دینی در حمایت از رهبر انقلاب، مهمترین نقش را در انقلاب اسلامی داشته است. روحانیان در مقایسه با دیگر گروه‌های سیاسی در ایران مناسبترین سازمان، یعنی تشکیلات روحانیت را در اختیار داشتند که در رأس آن نهاد مرجعیت قرار داشت. همچنین، استقلال مالی روحانیت شیعه و برخورداری از کمک‌های مالی مردمی و بازار اسلامی و نیز اوقاف، نذورات، خمس و زکات، آنان را از وابستگی به دولت نجات می‌داد.

از آنجا که طبق قانون اساسی مشروطه علمای طراز اول مصونیت داشتند، پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ رژیم پهلوی تلاش کرد ابتدا امام را از مرجعیت بیندازد و سپس، او را محاکمه کند. در این برهه ی حساس نیز خواص روحانیت، به ویژه مراجع و علما، با حمایت از امام خمینی (ره) رژیم را شکست دهند. پس از دستگیری ایشان در سال ۱۳۴۲، عده ای از علما برای رهایی امام و دیگر زندانیان به تهران مهاجرت کرده، تلگراف‌های زیادی به تهران، زندان قصر، خدمت امام خمینی (ره) و به مجامع دولتی برای آزادی وی از سوی مردم و علمای شهرها ارسال کردند. از آنجا که بی شک، بخش عظیمی از موفقیت امام خمینی (ره) مرهون مرجعیت اوست. باید گفت آن زمان اقدام روحانیت انقلابی در تثبیت موقعیت ایشان کاری بس مهم در تحولات معاصر ایران و جهان محسوب می‌شد. در جریان انقلاب اسلامی مهمترین عامل قدرتمندی که نه تنها ابزارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بلکه اساسی‌ترین ابزار قدرت رژیم پهلوی، یعنی ابزار

نظامی آن را بی اثر کرد، مرجعیت تقلید امام خمینی (ره) بود. عمق تأثیر عامل مرجعیت در بین نیروهای مسلح رژیم پهلوی تا بدان حد بود که بسیاری از پرسنل آن، به طور شفاهی کتبی و در عمل بر اساس دستور امام اقدام می‌کردند. آنان اعلام می‌کردند که مقلد ایشان بوده و نمی‌توانند برخلاف دستور مرجع تقلید خود عمل کنند. سرپیچی از دستور فرماندهان مافوق و فرار از خدمت نظامی، تحت تأثیر قدرت مرجعیت شیعه، در گزارشات فرماندهان و مسئولان رده بالای رژیم پهلوی، در جلسات محرمانه، آمده است (قره باغی، ۱۳۶۸: ۷۱ و ۱۱۳-۱۰۱ و ۲۰۳). با حمایت روحانیان از حضرت امام خمینی (ره) سرکوب روحانیان و سایر گروه‌های مذهبی در بُعد وسیع آغاز شد که این سرکوبها شامل اعدام، زندان، شکنجه، تبعید و اعمال محدودیت‌های مختلف می‌شد (منصوری، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

### ز) مدیریت ناآرامی های پس از انقلاب

روحانیت، نقش راهبردی و اساسی خود را در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز حفظ کرد. چرا که انقلابها همیشه توأم با غلیان احساسات توده‌های مردم است. در انقلاب‌ها، نهادها، سازمانها و تشکلات سنتی جامعه که حامی و حافظ روابط اجتماعی اند فرو می‌پاشد و با توجه به جامعه آرمانی مد نظر انقلابیون، بسیاری از ساختارهای سنتی که ممکن است فوایدی هم داشته باشد دچار تزلزل شده، سازمانها و نهادهای جدیدی با نیروهای تازه نفس، اما بی تجربه به وجود می‌آید که همه این عوامل مجموعاً جو جامعه را ناآرام و متشنج می‌کند. یکی از مهمترین کارویژه‌های رهبران انقلابی در هر انقلاب، آرام نمودن جو جامعه برای سازندگی و اصلاح ساختارها به صورت قانونی، آرام و بدون هیاهوست. روحانیان نیز که یکی از شأن‌های مهم و گروه‌های مرجع برای توده‌های مردم در حرکت توده‌ای بودند، نقش بسزایی در آرام سازی جو ملت به جامعه داشته اند.

### ۴. خدمات برجسته روحانیت در عرصه ی انقلاب اسلامی

نهاد روحانیت از ابتدا تاکنون، به عنوان نهادی تأثیرگذار، همیشه در عرصه سیاست و تحولات اجتماعی حاضر بوده و نقش قابل توجه را ایفا نموده است. روحانیت شیعه معتقد است دین می‌تواند در عرصه سیاسی و اجتماعی نقش داشته و جامعه را به سر منزل مقصود رهنمون شود. نقش روحانیت به عنوان متولیان دین در این امر، با توجه به نوع حکومت‌هایی که بر سرکار آمده اند، گاه نحیف یا فربه شده است. دو نمونه از عملکرد روحانیت که منجر به شکل گیری انقلاب شده که انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بوده است. روحانیان وظایف اصیل و بنیادی متعددی در جامعه دارند؛ اما بی شک مهم ترین وظیفه ای که یک روحانی انقلابی در نگاه اول دارد، محافظت و حراست از کیان انقلاب اسلامی در مواجهه با بدخواهان این نظام است. روحانیت انقلابی باید در عرصه های تعلیم و تربیت و فرهنگ سازی جامعه نقش به سزای ایفا کند؛ زیرا در جامعه به عنوان نهاد سیاسی و دینی مطرح شده و عملکرد این نهاد در رویکرد مردم به آن، نقش اساسی خواهد داشت. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)

پاسداشت این دستاورد بر عهده نهاد روحانیت - به عنوان یکی از متولیان اصل دفاع و حمایت از انقلاب اسلامی - است و روحانی انقلابی توان حفظ و حراست از این دستاورد ارزشمند را دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. امامت جمعه: سنگر اساسی دیگر روحانیت که نقش اساسی در هدایت مردمان و تحول فرهنگی جامعه داشت، نماز جمعه بود. این مراسم سیاسی و عبادی، یکی از شورانگیزترین و شکوهمندترین ابتکارات اسلام است، که بعد از انقلاب اسلامی، پس از قرن‌ها پیاپی نداشته شدن، پیاپی داشته شد. عمومیت و گسترش نمازهای جماعت در ادارات و اماکن عمومی و برپایی نمازهای جمعه در سراسر کشور، به عنوان میعادگاه عاشقان در هر هفته از جمله خدمات برجسته روحانیان می‌باشد.

این نماز مانور سیاسی اسلام و مسلمانان و مظهر حاکمیت سیاسی اسلام و قدرت حکومت اسلامی است. خطیب جمعه وظیفه دارد با موعظه به تقوا و وارستگی به پرورش افکار و اندیشه‌های نمازگزاران بپردازد و آنان را از مسائل جهان اسلام و رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با خبر سازد. حوادث واقعه را تحلیل کند و راهبر زندگی آنان در طول یک هفته باشد، این پایگاه دینی و سنگر فرهنگی، همواره مورد بغض و عداوت منافقان و مخالفان اسلام و انقلاب بوده و هست و انسانهای والایی از روحانیت اصیل و مخلص و مبارز در این سنگره، به دست منافقان کوردل به درجه شهادت نائل آمدند.

۲. نجات عرصه های هنری کشور از حیط قدرت و اندیشه های پنهان فراماسونری و غربی که مدت‌ها پس از انقلاب اسلامی در گرایش‌های هنرمندان وجود داشت. علاوه براین، سمت و سوی دینی بخشیدن به این عرصه‌ها و نمودارهای هنری؛ مانند فیلم و سینما و شعر و قصه و موسیقی و رمان و غیره ... که این البته فصل مشترک خدمات روحانیت و برخی دیگر از افراد خدمتگزار در این حوزه بود.

۳. تأسیس و پرورش مؤسسات پژوهشی و مراکز تحقیقاتی علوم اسلامی و تأسیس مراکز علمی مختلف در باب اندیشه ها و مبانی فکری و دینی و حدیثیو همچنین در عرصه تألیف و نشر

از جمله خدمات فرهنگی روحانیت و حوزه که تأثیری بسزا در تحول فرهنگی کشور داشته تألیف کتاب، مقاله و رساله های مفید و علمی در زمینه مسائل گوناگون: اجتماعی، سیاسی، تاریخی، اخلاقی، فقهی و حقوقی، کلامی، تفسیری، حدیثی و... است. پژوهشگران و محققان و نویسندگان بسیاری در این عرصه مشغول فعالیت هستند. روحانیت بیدار و آگاه، پس از انقلاب، از طریق مجلات و روزنامه‌هایی که خود بنیاد گزارد و یا از طریق دیگر نشریات و مجلاتی که مدیریت و سرپرستی و اداره آن را به عهده گرفت، معارف اسلامی را به نحو احسن تبیین و نشر داد و بسیاری از مسائل فقهی، کلامی و فلسفی را به زبان ساده به مشتاقان معارف اسلامی عرضه داشت.

۴. سازماندهی معنوی امور حج و هدایت کاروانها و محوریت دینی اعتقادی، سیاسی و فرهنگی آنها؛ چنانکه قبل از انقلاب بیشتر جنبه تجارتي و اقتصادي داشته و جذب روحاني و مدير کاروان، بدون تدبير و گزينش و هدایت صحيح انجام می شده است.

۵. رشد و گسترش فرهنگ نيايش و دعا و مناجات از طريق، رسانه های گسترده عمومي و القای فرهنگ معنوی دعا در جامعه، به کمک خطابه و منبر و تأليف کتاب و...

۶. مکانيزه کردن فرهنگ حجاب و گسترش آن در ادارات، اماکن عمومي و... و رهایی جامعه و بانوان آن از فضای رعب کشف حجاب زمان شاه.

۷. ايجاد ارتباط دینی و معنوی و حتی علمی بين حوزه و دانشگاه و برقراری تفاهم فکری و فرهنگی بين روحاني و دانشجو به عنوان دو قشر عظيم علمی کشور؛ اگر چه اساس و مبانی آن توسط دشمنان بدخواه اينکه مورد هدف قرار گرفته است.

۸. احیای نامها و نشانه‌ها و ارزشهای دینی در کشور که غالباً قبل از انقلاب به سمت واژه‌ها و نشانه‌های بيگانه و غربي در حرکت بود. مانند نام خيابانها و کوچه‌ها و اماکن و معابر عمومي. سر در دانشگاه‌ها و مدارس، مراکز عملي و غير علمی کشور و...

#### ۵. ویژگیهای روحانی انقلابی از منظر رهبر معظم انقلاب

روحانیت در عرصه های سیاسی و اجتماعی دارای وظایف ذاتی و بنيادی بوده و جایگاه پذیرفته شده ای دارد؛ اما وظیفه اصلی یک روحانی در شرایط کنونی که چهل سال از انقلاب اسلامی گذشته است این است که همچنان انقلابی بماند و با انجام وظایف خود در حفظ و حراست از انقلاب اسلامی در مقابل بدخواهان این انقلاب کوشا باشند؛ رهبر معظم انقلاب نیز همواره در بیانات خود که مخاطب آن طلاب حوزه‌های علمیه می‌باشند بر لزوم انقلابی بودن و انقلابی ماندن آنان تاکید می‌کند. از دیدگاه ایشان روحانی انقلابی دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

#### ۱. بصیرت

نکته‌ای که همواره رهبر معظم انقلاب خصوصاً در سال‌های اخیر بدان تاکید ورزیده‌اند، مسئله بصیرت است. این مسئله برای روحانیت اهمیت دوچندان دارد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «روحانی انقلابی باید بصیر باشد. باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند. مسئله این جور ساده نیست که یکی را رد کنیم یکی را اثبات کنیم. یکی را قبول کنیم؛ این جوری نمی‌شود (شما طلاب و روحانیان). باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید. باید از طعن و دق دیگران هم رویگردان نشوید؛ اما باید خامی هم نکنید. مراقب باشید مایوس

نشوید. در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلایی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم این جور دوست می‌دارند؛ عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است، پس نه از آن طرف، نه از این طرف (دیدار با طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

## ۲. حضور روحانیت در متن نظام

از نظر رهبر معظم انقلاب نقش حوزه‌ی علمیه نقش مولد انقلاب و نظام اسلامی را دارد. ایشان حوزه را ستون مهم انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی برمی‌شمارند. ستونی که حذف آن باعث زوال انقلاب می‌شود، لذا در موارد متعددی بر لزوم این رابطه تأکید و سفارش دارند که مبدا روحانیت به حاشیه برود و به امور مربوط به نظام بی‌توجه باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اینکه یک آقای در یک گوشه عیاش را بکشد به کول خودش، بگوید: من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست. این ننگ است ... اینکه ما به مسائل کشور کار نداشته باشیم. این سکولاریسم است. حوزه‌های علمیه باید خود را سرباز نظام بدانند، برای نظام کار کنند، دل بسوزانند و در خدمت تقویت نظام حرکت کنند» (دیدار با فضلاء خراسان شمالی، ۹۱/۷/۱۹). از نظر ایشان، روحانی انقلابی کسی است که هم به لحاظ شرکت در مسائل سیاسی و هم در امر علم و درس و بحث طلبگی فعال باشد.

## ۳. حفظ و حراست از نظام اسلامی

هر مکتبی بدون پشتوانه نظری و علمی محکوم به نابدی است. نظام اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. کسانی می‌توانند برای نظام اسلامی نظریه‌پردازی کنند که کاملاً آشنا به مبانی اسلامی و به عبارتی اسلام‌شناس باشند. در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، روحانیت انقلابی باید خود را مکلف به صیانت از دستاوردهای فکری نظام بداند و رابطه‌ی خود با نظام اسلامی را رابطه ناصح و منصوح یا مصلح و مصلح کند. وی یکی از وظایف روحانی انقلابی را پشتیبانی علمی از نظام اسلامی دانسته و می‌فرماید: «نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح. نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. به خاطر اینکه نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه‌ی جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی برعهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر، نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند» (دیدار با فضلاء حوزه علمیه،

۸۹/۷/۲۹)

## ۴. حضور در صحنه

حضور، هموار کننده‌ی مسیر پیشرفت است و خالی کردن عرصه، نشان از بی‌تفاوتی و بی‌حمیتی نسبت به آرمان‌ها دارد. دلیل تکیه و تأکید رهبر معظم انقلاب به مردم و خصوصاً روحانیان نیز حضور در صحنه و جلوگیری از بی‌تفاوتی نسبت به آرمان‌ها است. ایشان می‌فرمایند: «روحانیون وظایف اجتماعی هم دارند. بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته‌ی اساسی این است که این ورود روحانی به مسائل اجتماعی؛ باید ورود همراه با روحانیت باشد، نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد. دیگر فایده‌ای ندارد (دیدار با جمع علمای شیعه و سنی کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

ایشان، کنار رفتن حوزه و روحانیت از متن جامعه و انزوای او را خطری بزرگ برای دین و انقلاب تلقی کرده و می‌فرمایند: «حاشیه‌نشین شدن حوزه علمیه قم و یا هر حوزه علمیه دیگری، به حذف شدن می‌انجامد. وارد جریانات اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، به تدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن می‌انجامد، لذا روحانیت شیعه با کلیت خود قطع نظر از استثناهای فردی و مقطعی، همیشه در متن حوادث حضور داشته است. برای همین است که روحانیت شیعه از یک نفوذ و عمقی در جامعه برخوردار است که هیچ مجموعه روحانی دیگری در عالم - چه اسلامی و چه غیراسلامی - از این عمق و از این نفوذ برخوردار نیست. ثانیاً اگر روحانیت می‌خواست در حاشیه و در پیاده رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب می‌دید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه برجسته آن انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت می‌ماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید و روحانیت هدفش حفظ دین است» (دیدار با طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

## ۵. شناسایی خطوط توطئه

در نظام فکری رهبر معظم انقلاب، روحانی انقلابی نباید فریب توطئه‌گران داخلی و خارجی را خورده، دستخوش احساسات شود و در نهایت تحقیر گردد یا منزوی شود. ایشان رمایند: «یک مسئله دیگر در زمینه‌ی نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است. عزیزان من! فضایی انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد. دشمنان کینه ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند. می‌خواهند این فشار را بشکنند. شما دیدید در یک دوره‌ای شهادت را زیر سوال بردند، شهید را زیر سوال بردند. پیغمبران را زیر سوال بردند. مسئله این نیست که فلان زید با این مفاهیم مخالف است. مسئله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعه مطرح شود. فضا سازی شود و فضای انقلابی را بشکنند ... روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سوال بردن جهاد طولانی این مردم، اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است» (دیدار با طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

## ۶. پرهیز از افراطی‌گری

اسلام و تشیع از افراط و تفریط‌ها ضربه‌های فراوانی خورده است. ایشان می‌فرمایند: «... درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست؛ اما باید مراقب باشد. مبدا حرکت انقلابی جوری باشد که بتواند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند، همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌طرفی ضربه می‌زند. مراقب باشید زیاده روی نشود ... اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست (دیدار با طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## نتیجه گیری

نهاد روحانیت همواره پاسبان و حافظ اصول و مبانی دین بوده است؛ روحانیت شیعه در طول تاریخ، همواره به حراست از منابع و متون دینی پرداخته است؛ چنانچه از همان ابتدا مرحوم شیخ مفید و سید مرتضی در برابر متکلمین معتزله و زیدیه، به دفاع از معانی اندیشه‌های شیعی می‌پرداختند و تا به امروز ارزش‌های دینی را پاس داشته و فرهنگ غنی شیعه را برای همه نسلها به ارمغان آوردند و سرانجام این خدمات و جانفشانی‌ها در پرتو انقلاب اسلامی به باروری لازم رسید. امواج خروشان انقلاب اسلامی، با رهبری روحانیت چونان زلالی جوشیده از حوزه‌ها در یک بستر تکاملی، بساط سلطه‌گری شیاطین و بدخواهان شرق و غرب را برچیده است و به همین دلیل است که روحانیت از همان آغاز، مورد خشم استکبار جهانی قرار گرفت، چرا که آنان را الهام بخش جاری اسلام و چشمه جوشانی می‌دانست که با فوران خود هر خار و خاشاک و ناپاکی را از سر راه اسلام و انقلاب می‌شست. نقش حوزه و روحانیت در راستای پیروزی انقلاب که بر مبنا و اصول فرهنگ غنی اسلام بنا شده است، فراموش ناشدنی و غیر قابل انکار است. حوزه و روحانیت توانستند بذر ایمان را در دلها بکارند و باور دینی را در جانها، پیوراندند. در نتیجه می‌توان گفت که نقش روحانیت در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران، تعیین کننده و راهبردی بوده است، بعد از انقلاب، روحانیت توانست به خوبی وارد عرصه‌های علمی و فرهنگی کشور شود و در لابلای عرصه‌های مختلف تاریخی، بهترین فرصت را برای شیوع و گسترش فرهنگ دینی به دست آورد. بعد از انقلاب اسلامی روحانیت با حضور خود در مراکز فرهنگی، اجرایی، مقابله با جبهه ضد انقلاب، مستکبرین، ناهنجاری‌های اجتماعی، تصویب قوانین و اصول عزت آفرین، توجه دادن مردم به فرهنگ خودی و خویشتن باوری، مبارزه با سرمایه‌داران و ثروت اندوزان، دفاع قهرمانانه از مرزها جغرافیایی کشور، مقابله با تجزیه طلبان، شرکت فعال در هشت سال دفاع مقدس، حضور قوی در مجامع بین‌المللی تبیین و تشریح اسلام و برنامه های جمهوری اسلامی و ... در تثبیت انقلاب اسلامی و استقلال و عزتمندی کشور ایران و اعتلای کلمه حق، نقش محوری و غیرقابل انکاری داشته است و از ابتدا در سنگرهای مختلف فرهنگی به مرزبانی از آن پرداخته و در این راستا به نتایج و آثار پر بار و مفیدی نیز دست یافته است.

منابع و مأخذ:

منابع فارسی

۱. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت ایرانی قاجاریه و پهلوی اول*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. امام خمینی (ره) (۱۳۷۰)، *صحیفه ی نور*، جلد ۱، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. رهبر معظم انقلاب، در دیدار جمع علمای شیعه و سنی کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰.
۴. رهبر معظم انقلاب، در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹.
۵. رهبر معظم انقلاب، در دیدار فضلاء خراسان شمالی، ۹۱/۷/۱۹.
۶. جعفری چمازکتی (۱۳۷۴)، *نقش ائمه جمعه و جماعات در توسعه ملی*، یاد ایام، سال ۲، ش ۱، فروردین.
۷. سینایی، حسین (۱۳۷۵)، *قابلیت‌های سیاسی شدن مسجد*، روزنامه ایران، سال دوم شماره ۴۲۵، مرداد.
۸. صلاحی، سهراب (۱۳۸۶)، *ایران و انقلاب اسلامی*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، موسسه چاپ و انتشارات.
۹. کلاتری، ابراهیم (۱۳۸۹)، *ضرورتها و زمینه‌های تدوین کارنامه نظام جمهوری اسلامی*، مروری بر کارنامه سی ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران: صدرا.
۱۱. مظفری، آیت (۱۳۸۵)، *جریان شناسی سیاسی ایران معاصر*، قم: زمزم هدایت.
۱۲. مظفری، آیت (۱۳۹۴)، *نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران*، فصلنامه فرهنگی بصیرتی تبلیغی پیام، شماره ۱۱۶، زمستان.
۱۳. معادینخواه، عبدالمجید (بی تا)، *نقش عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی*، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، جلد دوم تهران نشر عروج.
۱۴. منصوری، جواد (۱۳۷۵)، *سیر تکوینی انقلاب اسلامی*، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۵. هنری لطیف پور، یدالله (۱۳۷۹)، *فرهنگ شناسی شیعه و انقلاب اسلامی ۵۷-۱۳۴۲*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.